



سریال «سوران» با مسیری متفاوت هم در محتوا و هم در پروسه تولید به پایان رسید

قطاری که با سنگ‌های کومله متوقف نشد!



فرهنگی

عطیه موذن

روزنامه‌نگار

«سوران» به پایان رسید و در ۱۸ قسمت روی آنتن رفت اما قصه این سریال، با کاراکتری که از یک قهرمان مبارز تصویر کرد و داستانی که از تکه‌تکه شدن ایران به دست کومله و گروهک‌های مختلف نشان داد می‌تواند ابتدای مسیری باشد که تلویزیون بیش از اینها سراغ روایت و به تصویر کشیدن نشان برود. «سوران» جزو معدود سریال‌هایی بود که درباره کردستان اواخر دهه ۵۰ ساخته شد، به این منطقه رفت و سریال را از همین زاویه روایت کرد و یک شخصیت واقعی را هم محور قصه‌اش قرار داد: سریالی که به همت سازمان سینمایی سوریه ساخته شد و سپس به پخش تلویزیونی راه یافت. سوران داستانی است که از یک قصه پرفراز و نشیب وام گرفته است؛ قصه‌ای که هم برای قهرمانش جزو اتفاقات حیرت‌انگیز و استثنایی بوده است و هم برای فیلم و سریال شدن به اندازه کافی قابلیت دراماتیزه شدن داشت.

امیر سعیدزاده معروف به سعید سردشتی، مبارز قهرمانی است که در این سریال با نام «سوران» به بخش‌های مهمی از زندگی او پرداخته شد؛ شخصیتی که در طول زندگی خود یکبار مورد پیگرد ساواک قرار می‌گیرد، فرار می‌کند و به اسارت کومله درمی‌آید. او جزو معدود



کسانی است که می‌تواند از دست کومله فرار کند. بعد از این در زمان جنگ تحمیلی یکبار دیگر به اسارت درمی‌آید و این بار اسارت او سال‌ها طول می‌کشد. روایتش را روی همین فرار اول او می‌گذارد و التهابات کردستان و جنگ و کشمکش‌های درونی این منطقه در سال‌های آخر انقلاب و حتی بعد از آن را در قالب یک قصه ۱۸ قسمتی تعریف می‌کند؛ قصه‌ای که حالا یکی از حماسه‌های عاشقانه تلویزیون برای وطن است. قابل پیش‌بینی بود که روایت چنین قصه‌ای با واکنش‌های دشمنان کشور و تجزیه طلبان هم مواجه شود و از زمان پخش سریال و اوج گیری آن در قسمت‌هایی که به چهره واقعی گروهک‌های کومله و دموکرات می‌پرداخت، این سنگ‌اندازی‌ها در فضای مجازی و توئیتر افزایش پیدا کرد. حتی در مقطعی خواستار توقف پخش سریال و با تلاشی مذبحانه سعی در تفرقه افکنی و ایجاد شکاف بین قوم کرد بودند. اکانت‌های تجزیه‌طلب در توئیتر با جملاتی از قبیل «سریال دروغین» یا «نگذارید فرزندانان این سریال را تماشا کنند» به این سریال واکنش دادند و تلاش بسیاری کردند تا با واکنش‌های فضا سازی حتی جلوی ادامه پخش سریال را بگیرند که البته به هدف خود نرسیدند. این واکنش‌ها را البته می‌توان به این حساب گذاشت که هدف‌گذاری خالقان این سریال درست بوده و به‌خوبی هم توانسته‌اند به هدف خود برسند.

کتابی که سریال شد

«بسیار جذاب تهیه شده است؛ هم خود سرگذشت این جوان آزاده



پایان بندی قصه هم از امتیازات سریال است، هم به نوعی حسن ختامی بر ۱۸ قسمت از سریال شده یکی از بانیان کشتارهای سریال را به سرانجام خود رساند و هم نشان داد افراد کومله فرار کرده‌اند و هنوز که هنوز است می‌توانند آسیب‌زا و خطرناک باشند آنچنان که در تاریخ هم همین گونه بوده است

تحمیلی ایران و عراق فراخوانده می‌شود و سریال با آغاز بمباران عراق بر ایران پایان می‌یابد.

توفیق سروش محمدزاده در روایت

سروش محمدزاده را خیلی‌ها با اولین فیلم سینمایی‌اش یعنی «چهارشنبه» می‌شناسند. او در این سال‌ها چند سریال از جمله «همبازی» و «نوار زرد» در تلویزیون و «سیاوش» را در شبکه خانگی کارگردانی کرد که این آخری جزو تجربه‌های موفق او محسوب می‌شود.

محمدزاده در ساخت «سوران» سراغ تجربه‌ای رفت که چالش و ریسک تازه‌ای برایش محسوب می‌شد. تصویرگری فضای دهه ۵۰ در طراحی صحنه و لباس و از دیگر سونو نحوه روایت همه جانبه اتفاقات از این چالش‌ها بود.

مهمتر از همه اینها روایت کردن و بیان موضوعی است که به دلیل اهمیت آن که فضایی حماسی و دفاع مقدسی دارد می‌توانست به شعار و اثر سفارشی نزدیک شود. با این حال از هر گونه فضای شعاری به دور ماند و تا آخر توانست مخاطب را با قصه و درام خود همراه کند.

محمدزاده در ساخت «سوران» سراغ تجربه‌ای رفت که چالش و ریسک تازه‌ای برایش محسوب می‌شد. تصویرگری فضای دهه ۵۰ در طراحی صحنه و لباس و از دیگر سونو نحوه روایت همه جانبه اتفاقات از این چالش‌ها بود. مهمتر از همه اینها روایت کردن و بیان موضوعی است که به دلیل اهمیت آن که فضایی حماسی و دفاع مقدسی دارد می‌توانست به شعار و اثر سفارشی نزدیک شود. با این حال از هر گونه فضای شعاری به دور ماند و تا آخر توانست مخاطب را با قصه و درام خود همراه کند.

محمدزاده در ساخت «سوران» سراغ تجربه‌ای رفت که چالش و ریسک تازه‌ای برایش محسوب می‌شد. تصویرگری فضای دهه ۵۰ در طراحی صحنه و لباس و از دیگر سونو نحوه روایت همه جانبه اتفاقات از این چالش‌ها بود.

بازیگران سوران؛ معرفی

یکی از مهمترین دستاوردهای تلویزیون در همه دهه‌ها معرفی استعدادها و چهره‌های جدید است؛ چهره‌هایی که به واسطه حضور

گردد جذاب است و هم نوع نگارش صریح و کوتاه و بی‌حاشیه کتاب. با اینکه نیروهای مبارز کرد طرفدار جمهوری اسلامی را از نزدیک دیده و شناخته‌ام، آنچه از فدائواری‌های آنان در این کتاب آمده برایش کاملاً جدید و اعجاب‌آور است. «این بخشی از تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «عصرهای کربسکان» است؛ کتابی مبتنی بر خاطرات امیر سعیدزاده که کی‌نوش گلزارغیب آنها را به نگارش درآورده است. این کتاب که در ۲۷ فصل روایت و توسط انتشارات سوریه مهر چاپ شده است، زندگی پر فراز و نشیبی از خاطرات امیر سعیدزاده و اسارت‌های او در دل زندان‌های کربسکان را روایت کرده است. سریال سوران اما در ۱۸ قسمت به بخشی از این زندگی پرداخته است و اتفاقاً می‌تواند برگی از دفتر زندگی او باشد و در فصل‌های دیگری به اتفاقات عمده زندگی او در دوران اسارت بپردازد. در این سریال البته بخشی از قصه اسارت او توسط کومله روایت شده است و بعد از آن آزادی سوران را در قصه دیدیم که اتفاقاً در مواجهه با نیروهای انقلاب ابتدا به فرار او شک می‌کنند که نیاز به اطمینان‌سازی دوباره دارد.

قصه سریال که توسط عباس ریاحی فیلمنامه آن به نگارش درآمد در عین اینکه روایتی انقلابی و حماسی دارد، بخوبی توانسته بستر عاشقانه رقم بزند؛ عاشقانه‌ای که بین امیر سعیدزاده قهرمان کرد با نامزدش شکل می‌گیرد و ضمن اینکه از دیا لوگ‌های کلیشه‌ای در چنین فضایی دور می‌شود، احساسات و عواطفی که بین اعضای یک خانواده وجود دارد و دوگانگی و دودستگی‌هایی را که کومله در میان خانواده‌ها و مردم شهر ایجاد می‌کنند را بخوبی نمایش می‌دهد.

پایان بندی قصه هم از امتیازات سریال است. هم به نوعی حسن ختامی بر ۱۸ قسمت از سریال شد که یکی از بانیان کشتارهای سریال را به سرانجام خود رساند و هم نشان داد افراد کومله فرار کرده‌اند و هنوز که هنوز است می‌توانند آسیب‌زا و خطرناک باشند آنچنان که در تاریخ هم همین گونه بوده است. از طرفی سوران، قهرمان سریال وقتی از همه دغدغه‌های مبارزه‌رهایی می‌یابد و می‌خواهد ساعتی را با همسرش خلوت کند حسام محمودی که نقش یکی از فرماندهان این سریال را دارد دوباره او را برای مأموریتی جدی‌تر و فراتر از کردستان فرا می‌خواند. سوران یا سعید سردشتی این بار برای جنگ



اکانت‌های تجزیه‌طلب در توئیتر با جملاتی از قبیل «سریال دروغین» یا «نگذارید فرزندانان این سریال را تماشا کنند» به این سریال واکنش دادند و تلاش بسیاری کردند تا به واسطه

فضاسازی حتی جلوی آدامه پخش سریال را بگیرند که البته به هدف خود نرسیدند

در یک سریال پرریننده گاهی به ستاره‌های نوظهوری برای سینما بدل شده‌اند. یکی از عوامل معرفی و چهره شدن بازیگران جدید به تعداد سریال‌هایی است که آنها بازی می‌کنند. بویژه که در دهه‌های اخیر سریال‌های نود شصتی که امکان پخش هر شبی داشتند و در تعداد قسمت‌های طولانی ساخته می‌شدند بهتر توانستند بازیگران جدید سینما و تلویزیون معرفی کنند. «سوران» از این حیث با چالش بیشتری مواجه بود چرا که باید در ۱۸ قسمت مخاطبش را با بازیگران همراه می‌کرد و در این چالش هم خوبی توانست توفیق کسب کند.

آسو پاشاپور همان‌طور که در خبرهای عمومی سریال آمده و برایش از «با معرفی» استفاده شده است با این سریال دیده و به مخاطب معرفی شد؛ بازیگر جوانی که بخوبی از ایفای نقش دختر کرد برآمد و توانمندی خوبی از خود نشان داد.

علیرضا جعفری بازیگر جوانی که خیلی‌ها او را با نقش نوجوان «مهمان مامان» می‌شناسند از دیگر بازیگران سریال بود که با یک موقعیت جدید که برخلاف فیلم و سریال‌های طنز و کمدی است او را در نقشی جدی و در مقام یکی از توفیق محمدزاده و این

بازیگر توانست خلاف موقعیت‌های مشابه که بیشتر از مخاطب خنده می‌گیرد در این نقش ظاهر شود و این نقش بر قامت او نشست.

توماج دانش بهزادی در نقش کیانوش که یکی از نقش‌های اصلی سریال را بر عهده داشت اگرچه سالیانست که بازیگر حرفه‌ای تئاتر است اما کمتر در سریال‌های تلویزیونی او بهره گرفته شده است. حضور او با گرمی که داشت در کنار دیگر بازیگران کمتر دیده شده سریال به توفیق این ترکیب کمک کرد.

مهدی نصرتی اما بازیگر نقش اول سریال بود که برای اولین بار است که یک سریال تلویزیونی بازی می‌کند و اینجا توانست با نقش «سوران» به چهره تازه‌فشی در میان بازیگران نوظهور سینما و تلویزیون بدل شود.

نصرتی پیش از این در چند فیلم سینمایی به ایفای نقش پرداخته است که هنوز هیچ‌یک بر پرده سینما نرفته و توفیق اگران نداشته است. او در این نقش که ردای یک قهرمان ملی را باید ایفا می‌کرد نه تنها زیر سایه بازی‌های شعاری و کلیشه‌ای نرفت بلکه توانست شخصیتی با هویت یک ایرانی دلسوز از خود به جا بگذارد که تا نای جان هم برای کردستان و برای وطنش فداکاری می‌کند.

مراکز که بازاری سریال سازی تلویزیون شدند

دیگر نمی‌توان به زمانی دل خوش کرد که تلویزیون با دو یا سه شبکه که ۲۴ ساعته هم نبود می‌توانست مخاطب راضی نود درصدی داشته باشد. حالا مخاطب هر ثانیه شبکه‌ها و حتی مدیوم‌ها و سرویس‌های رسانه‌ای را تغییر می‌دهد تا بتواند به محتوای دلخواه خود دست یابد. از هوشمندی‌های تلویزیون می‌تواند همین باشد که در عصر غول‌های رسانه‌ای که در رقابت با جذب و نگهداشت مخاطب هستند بتوانند کمیت و کیفیت خود را در ارائه محتوا حفظ کنند.

تلویزیون در چند سال اخیر در همکاری با سازمان‌های مختلف سریال ساخته است و سراغ تولید محتوا رفته اما گاهی هم تولیدات به طور کامل در مراکز و نهاد‌های بیرون از صداوسیما تولید شده و با حفظ همان استانداردها به تلویزیون فروخته شده است. سازمان اوج پیش از این به میدان تولید اثر برای مدیوم‌های مختلف ورود کرده است و سریال‌هایی چون «مستوران»، «عشق کوفی» یا فصل پنجم «پایتخت» پیش از این با این شیوه ساخته و بعد در تلویزیون عرضه شده‌اند.

مرکز شهید آوینی نیز در ساخت «گاندو» با تلویزیون همکاری داشت و بعد از آن چندین سریال را به طور مستقل در دستور کار قرار داد که به تولید برساند. مرکز سریال سازمان سینمایی سوریه نیز از سال گذشته به حوزه سریال‌سازی ورود کرده است و «کاتب اعظم» جزو اولین سریال‌هایی است که توسط این مرکز ساخته شد و در اختیار تلویزیون قرار گرفت.

«سوران» دومین سریالی است که خروجی این مرکز است و نشان می‌دهد که ارگان‌هایی چون اوج و سوریه می‌توانند بازاری خوبی برای تلویزیون باشند.



بشر

دیگر نمی‌توان به زمانی دل خوش کرد که تلویزیون با دو یا سه شبکه که ۲۴ ساعته هم نبود می‌توانست مخاطب راضی نود درصدی داشته باشد. حالا مخاطب هر ثانیه شبکه‌ها و حتی مدیوم‌ها و سرویس‌های رسانه‌ای را تغییر می‌دهد تا بتواند به محتوای دلخواه خود دست یابد. از هوشمندی‌های تلویزیون می‌تواند همین باشد که در عصر غول‌های رسانه‌ای که در رقابت با جذب و نگهداشت مخاطب هستند بتوانند کمیت و کیفیت خود را در ارائه محتوا حفظ کنند.

تلویزیون در چند سال اخیر در همکاری با سازمان‌های مختلف سریال ساخته است و سراغ تولید محتوا رفته اما گاهی هم تولیدات به طور کامل در مراکز و نهاد‌های بیرون از صداوسیما تولید شده و با حفظ همان استانداردها به تلویزیون فروخته شده است. سازمان اوج پیش از این به میدان تولید اثر برای مدیوم‌های مختلف ورود کرده است و سریال‌هایی چون «مستوران»، «عشق کوفی» یا فصل پنجم «پایتخت» پیش از این با این شیوه ساخته و بعد در تلویزیون عرضه شده‌اند.

مرکز شهید آوینی نیز در ساخت «گاندو» با تلویزیون همکاری داشت و بعد از آن چندین سریال را به طور مستقل در دستور کار قرار داد که به تولید برساند. مرکز سریال سازمان سینمایی سوریه نیز از سال گذشته به حوزه سریال‌سازی ورود کرده است و «کاتب اعظم» جزو اولین سریال‌هایی است که توسط این مرکز ساخته شد و در اختیار تلویزیون قرار گرفت.

«سوران» دومین سریالی است که خروجی این مرکز است و نشان می‌دهد که ارگان‌هایی چون اوج و سوریه می‌توانند بازاری خوبی برای تلویزیون باشند.